



کارشناس:
حامد کاشانی

تحصیلات:
کارشناس تاریخ و سیره
خرد و کلامی اسلامی

فعالیت‌های آموزشی:
مدرس دانشگاه و حوزه

پاسخ به چند شبهه‌ای که درباره فیلم
«محمد رسول الله ﷺ» مطرح می‌شود

گوشه‌ای از معجزات پیامبر

صلی الله علیه و آله



در قسمتی از فیلم که پیامبر ﷺ از مادرش دور می‌افتد و تب می‌کند و
عمویش او را داخل رودخانه می‌اندازد تا تبش پایین بیاید ماهی‌ها دور او
جمع می‌شوند که به عبارتی حالت معجزه دارد. منتقدین می‌گویند این
مسئله سند تاریخی ندارد. نظر شما در این خصوص چیست؟



■ ■ ■ روح کلی فیلم «محمد رسول الله ﷺ» با ادله قرآنی و آیات و روایات و اسناد تاریخی مطابقت دارد اما فیلمساز برای ترسیم جزئیات، با کمبود منبع روبه‌رو بوده و گاهی اوقات تخیل یا برداشت شخصی او از یک واقعه یا حدیث برای پیشبرد درام و قصه فیلم به کمکش آمده. این کار به معنای تحریف تاریخ نیست بلکه مضمون یک روایت یا یک باور شیعی و اسلامی را به زبان هنر بیان کرده. درباره پیامبران و همچنین رسول گرامی اسلام و چهارده معصوم (علیهم‌السلام) آمده که همه کائنات نسبت به آنها تکریم می‌کنند. وقتی اشیا و نباتات تسبیح‌گوی خداوند هستند و به اذن خدا، تسلیم ولی خدا و انسان کامل نیز هستند این ماجرا موضوع تازه‌ای نیست. حضرت سلیمان (علیهم‌السلام) در این زمینه معروف‌ترین مثال است. او زبان حیوانات را می‌دانسته و پاد در تسخیر او بوده، بی‌شک خاتم‌الانبیاء نیز به‌عنوان سرور و سید همه انبیاء، کرامات مشابهی داشته چراکه در روایات از ائمه معصوم چنین معجزاتی دیده‌ایم. مثلاً امام هادی (علیهم‌السلام) در زمان متوکل عباسی وارد قفس شیرها شد و شیرها نسبت به او احترام و تکریم کردند و آن حضرت به آنها فرمان می‌داد. پس اصل قضیه همان مطیع بودن همه کائنات در برابر ولی خداست اما اینکه واقعا در دوران کودکی پیامبر چنین اتفاقی رخ داده، به‌صورت مستدل در تاریخ نیامده. اگر فیلمساز طوری ماجرا را روایت کند که بخواهد به مخاطب القا کند همه این اتفاقات بی‌تردید و بی‌هیچ شک و شبهه‌ای رخ داده، دیدگاه اشتباهی است اما مجید مجیدی در ابتدای فیلم از برداشت شخصی خود حرف زده و چنین سکس‌هایی را در خدمت روح کلی فیلم قرار داده تا عظمت و مقام پیامبر و تسلط او بر کائنات را که یک امر اثبات شده در آیات و روایات است، به‌صورت یک نمونه هنری در فیلمش نشان دهد که هیچ منافاتی هم با اصل موضوع ندارد.

در خصوص نامگذاری پیامبر ﷺ، پدر بزرگش عبدالمطلب وارد کعبه می‌شود و بعد از اینکه از کعبه بیرون می‌آید پیامبر را نامگذاری می‌کند. آیا نام پیامبر به او وحی شده بود؟



■ ■ ■ نامگذاری توسط پدر یا پدر بزرگ در بین اعراب رسم بوده. نام حسنین و حضرت زینب (علیهم‌السلام) را پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) انتخاب کرد. منابع متعددی نامگذاری پیامبر را توسط عبدالمطلب تایید کرده‌اند. از جمله کتاب «فروغ ابدیت» اثر آیت‌الله سبحانی و از منابع اهل سنت نیز در سیره حلبی به این موضوع اشاره شده. عبدالمطلب از موحدین برجسته زمان جاهلیت بود و کرامات و مقام خاصی داشت و از اهل توکل بود. نقل است زمانی که ابرهه با سپاهش به مکه هجوم آورد، او آرامش خود را حفظ کرد و گفت خدایی که صاحب کعبه است، از خانه‌اش محافظت می‌کند. برخی از وقایع به او الهام هم می‌شده. شاید آرامش او هنگام حمله سپاه ابرهه به‌خاطر همین الهامات بوده که می‌دانسته متجاوزین به حریم کعبه پیروز نمی‌شوند. درباره فضایل عبدالمطلب مطالب زیادی نقل شده. از جمله اینکه واضح یک‌سری از قوانین در مکه بوده که بعدها توسط اسلام تایید شد. یکی از این قوانین پرداخت دیه است که قبل از ظهور اسلام عبدالمطلب رواج پیدا کرد. در تاریخ طبری نقل شده او قبل از ظهور اسلام مناظره‌ای با مشرکین مکه داشت و سخنانی که در اثبات معاد و روز قیامت بیان کرده نشان‌دهنده همین الهام است. البته وحی با الهام متفاوت است. وحی مخصوص انبیاء الهی است اما الهام علاوه بر انبیاء، نصیب بندگان مقرب و اولیاء خداوند نیز می‌شود. این سکس از فیلم که عبدالمطلب از کعبه بیرون می‌آید و نام پیامبر را صدا می‌زند نشانگر دو مطلب است: یکی اینکه او نام پیامبر را انتخاب کرده که در روایات تاریخی این مطلب اثبات شده و دیگری اینکه او دارای مقام شامخی بوده و با توجه به الهامات قبلی بعید نیست نام پیامبر هم به‌وی الهام شده باشد اما اینکه آیا واقعا هنگام انتخاب نام پیامبر در خانه کعبه بوده یا نه، در منابع تاریخی سندی وجود ندارد و به نظر می‌رسد هدف فیلمساز همان نشان دادن شخصیت الهام شده او باشد نه اینکه بخواهد در اصل اتفاق دخل و تصرف کند.

روایت زندگی بزرگان تاریخ سختی‌های خاص خود را دارد. می‌خواهیم از روزگاری حرف بزنیم که سال‌ها و قرن‌ها از ما فاصله گرفته. حالا اگر قرار باشد در این روایت تاریخی گوشه‌هایی از زندگی پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) را به تصویر بکشیم، سختی کار دوچندان می‌شود. حساسیت‌هایی که روی شخصیت نبی مکرم اسلام وجود دارد و عامل وحدت شیعه و سنی است، مانع از این می‌شود که مجید مجیدی بخواهد آزادانه تخیل و سلیقه هنری خود را در فیلم «محمد رسول الله ﷺ» دخیل کند. برای همین از ابتدای کلید خوردن کار تا حالا که فیلمش در حال اکران است، ترجیح‌بند اکثر مصاحبه‌هایش این است که کار را براساس منابع مستند تاریخی ساخته. با این حال بعضی از منتقدین شبهاتی را به فیلم او وارد کرده‌اند. برای همین از حجت‌الاسلام حامد کاشانی خواستیم درباره این انتقادات و صحت و سقم‌شان صحبت کند. او در صحبت‌هایش به این موضوع اشاره کرد که فضای کلی فیلم با منبع تاریخی منطبق است اما کسی نباید به قصد دیدن تاریخ، فیلم را مشاهده کند. چون مجیدی همان‌طور که در ابتدای فیلم گفته، برداشت شخصی خود را ساخته و اصلا به دنبال روایت نعل به نعل تاریخی نبوده و هدفش نشان دادن رأفت و رحمت نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) است. هرچند از تکنیک‌های مختلفی استفاده کرده اما درباره پیامبر چیزی را که از اساس وارونه و خلاف واقع باشد، به تصویر نکشیده.

در طول فیلم قوم یهود تلاش زیادی می‌کند که پیامبر ﷺ را پیدا کند و به قتل برساند. برخی می‌گویند در این قضیه بزرگنمایی شده و فیلمی که می‌تواند بین پیروان ادیان ابراهیمی ایجاد وحدت کند، تقابل یهودیت و اسلام را به تصویر کشیده و در مقابل مسیحیان را ناجی پیامبر معرفی می‌کند. اصل موضوع چقدر سندیت دارد و اگر صحیح است آیا بزرگنمایی شده یا نه؟

اینکه در فیلم مسیحیت را ناجی پیامبر معرفی کرده باشد، به سختی برداشت می‌شود اما درباره تلاش برخی یهودیان برای قتل پیامبر ﷺ در طول عمر مبارکش، ادله و اسناد فراوانی هست. وقتی درباره یهود حرف می‌زنیم، منظورمان همه قوم یهود یا پیروان راستین حضرت موسی ﷺ نیست. هیچ تقابلی بین ادیان ابراهیمی وجود ندارد چراکه اگر شخصی نبوت پیامبران پیشین چون حضرت موسی و حضرت عیسی را قبول نداشته باشد، از نظر اسلام کافر است اما در تاریخ اسلام آمده که جریانی از یهود، کارشکنی‌های فراوانی انجام داده‌اند و حتی درصدد قتل پیامبر ﷺ بودند. در واقعه خیبر نقل شده که غذای مسمومی را به‌عنوان هدیه برای پیامبر می‌آوردند که برخی از علمای شیعه و اکثریت اهل سنت روایت کرده‌اند همان غذای مسموم آن حضرت را به شهادت می‌رساند. روایات متعددی در این خصوص هست. در کتاب «بصائر الدرجات» محمد بن حسن بن فروخ صفار نقل شده که امام صادق ﷺ فرموده: «پیامبر اکرم ﷺ در جریان جنگ خیبر مسموم شد و هنگام رحلت فرمود لقمه‌ای که آن روز در خیبر خوردم اکنون اعضای بدنم را نابود کرده». در کتاب صحیح بخاری معتبرترین کتاب اهل سنت هم نقل شده که پیامبر در جریان بیماری منجر به رحلتش خطاب به عایشه فرمود: «من همواره درد ناشی از غذای مسمومی را که در خیبر خورده‌ام در بدنم احساس می‌کنم و اکنون گویا وقت آن فرا رسیده که آن سم مرا از پا درآورد». اما درباره اینکه قوم یهود در دوران کودکی آن حضرت نیز درصدد قتل او برآمده باشند اختلاف نظر هست. عده‌ای از مورخین و محققین تاریخ اسلام با استناد به شواهد و قرائن می‌گویند چنین اتفاقی رخ داده و عده‌ای این قول را ضعیف می‌دانند و برایشان معتبر نیست. از جمله منابعی که توطئه ترور پیامبر در دوران کودکی را مستند می‌دانند، کتاب «تبار انحراف» است که تحت نظر حجت‌الاسلام مهدی طائب چاپ شده. منابع دیگری هم هستند که به چنین واقعه‌ای استناد می‌کنند. به هر حال فیلمساز برای پرداختن به چنین مسئله‌ای به منابع تاریخی رجوع کرده. هرچند اصل موضوع مورد اختلاف است و بررسی صحت و سقم آن برعهده فیلمساز نیست و کار مورخین است.



نبی مکرم اسلام ﷺ در فیلم کودکی ظریف با چهره‌ای نورانی نشان داده می‌شود. آیا وضعیت ظاهری آن حضرت با آنچه از وضعیت ظاهری اعراب آن زمان در تاریخ آمده منطبق است؟

قدرت جسمانی انسان کامل با انسان‌های عادی متفاوت است. این موضوع در روایات هم آمده که امام یا انسان کامل ۴۰ برابر یک فرد عادی قدرت دارد. حضرت علی ﷺ فرموده: «من با توان یک فرد عادی، درب خیبر را از جا نکندم». یا حتی درباره حضرت موسی ﷺ در قرآن آمده که یک ضربه مشت او انسانی را از پا درآورد. در جسم رسول اکرم ﷺ نیز چنین اعجازهایی وجود داشته. از جمله اینکه نقل است آن حضرت سایه نداشته. قدرت بدنی پیامبر و ائمه معصوم لزوماً ربطی به اندام درشت و داشتن فیزیکی همچون اعراب بادیه‌نشین ندارد بلکه این قدرت به‌صورت اعجاز است. از طرفی دلیلی ندارد که همه اعراب شبیه هم باشند. همان‌طور که حالا نیز تیره‌های مختلفی بین اعراب وجود داشته و چهره اعراب صدر اسلام و عرب جاهلی نیز با یکدیگر متفاوت بوده و همه سیاه‌چرده و عضلانی نبوده‌اند. از طرفی در کتاب‌هایی که از پیامبر ﷺ چهره‌نگاری شده از جمله کتاب «سنن النبی» علامه طباطبایی یا کتاب «شمایل النبوه» از علمای اهل سنت، همه بر این عقیده هستند که پیامبر دارای چهره‌ای زیبا و جذاب و نمکین بوده و اصلاً دارای اندامی درشت یا چهره‌ای خشمگین که در دل مردم ایجاد رعب و وحشت کند نبوده. درباره نور چهره آن حضرت نیز می‌توانیم موضوع را از دو منظر بررسی کنیم. یکی اینکه این نور تکنیکی است برای حفظ حرمت آن حضرت و شأن والای او که نمی‌توانیم چهره‌اش را نشان دهیم یا اینکه چنین نوری واقعا وجود دارد اما نه به این معنا که همه قادر به دیدن آن باشند. نور چهره حضرات معصومین را تنها اولیاء الهی می‌بینند و با چشم عادی قابل دیدن نیست. این موضوع در تاریخ هم آمده. افراد متقی قادر به دیدن چیزهایی هستند که مردم عادی نمی‌بینند. مثل جوانی که به پیامبر گفته بود من صدای خنده اهل بهشت و گریه اهل جهنم را می‌شنوم. در کتاب «بصائر الدرجات» هم آمده که «المومن ینظر بنور الله». مومن با نور خداوند می‌بیند. پس مومنین واقعی و افراد متقی به اذن خدا می‌توانند نور باطنی وجود نبی اکرم و اولیاء الهی را ببینند. البته سایر افراد نیز این نور را به جلوه‌های دیگر مشاهده می‌کنند. مثلاً هر وقت پیامبر بر ایشان وارد می‌شده، احساس آرامش می‌کردند یا وجود آن حضرت برایشان برکت می‌آورده. مثلاً در تاریخ آمده از وقتی حلیمه دایه پیامبر شد، وضعیت زندگی او و شوهرش رونق گرفت و شیر گوسفندان‌شان بیشتر شد. این نور برای عموم مردم جنبه معنوی دارد. بدین معنا که وجود پیامبر برای امتش مایه خیر و برکت و آرامش است و حتی در قرآن آمده که تا وقتی پیامبر در بین امت است، خدا عذاب را نازل نمی‌کند که این آیه هم اشاره به نورانیت معنوی وجود آن حضرت است که برای امتش رحمت می‌آورد.

آیا وجود مهر نبوت در بدن پیامبر ﷺ صحت دارد؟

در روایات زیادی وجود نشانه‌ای بر بدن پیامبر مبنی بر اثبات نبوت او مطرح شده اما در اینکه این نشانه به چه صورتی بوده، اختلاف نظر هست. برخی گفته‌اند به صورت توده گوشتی بوده و بعضی گفته‌اند به شکل نوری بوده. به هر حال در «مناقب آل ابیطالب» که از کتاب‌های شیعیان است و کتاب «دلایل النبوه» از بیهقی که جزو منابع اهل سنت است، وجود چنین نشانه‌ای تأیید شده اما درباره کیفیت و چگونگی آن چیزی وجود ندارد.